

رهایی بخشی مطالعات فرهنگی

محمد رضایی



پژشکو و معاسات ونگی و اوانی
وزارت علوم، فرهنگ و اوانی



رهایی بخشی مطالعات فرهنگی

محمد رضایی

ناشر: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی

راستار: معصومه احمدی

طراح جلد: سید قریبی

چاپ اول: بهار ۱۳۹۹

تیراژ: ۲۰۰

قیمت: ۳۸۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۲-۲۱۱-۰۵۲-۱

نشانی: تهران، خیابان پاسداران، پلاک ۱۳۱، پوینت نژاد (گلستان یکم)، شماره ۱۲۴. تلفن: ۲۲۵۷۰۷۷۷

وبسایت: www.iscs.ac.ir

پست الکترونیکی: publication@iscs.ac.ir

کلیه آثار منتشره این پژوهشکده در حمایت از ایجاد فضای آزا علمی و نظر شخصی نویسندگان

محترم آن است و لزوماً مورد تأیید پژوهشکده نیست.

سرشناسه: رضایی، محمد، ۱۳۵۲ -

عنوان و نام پدیدآور: رهایی بخشی مطالعات فرهنگی / محمد رضایی

مشخصات نشر: تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۹۹.

مشخصات ظاهری: ۳۱۲ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۲-۲۱۱-۰۵۲-۱

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: کتابنامه: ص. ۱۹۳.

یادداشت: نمایه.

موضوع: مطالعات میان فرهنگی

Cross-cultural studies: موضوع

شناسه افزوده: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی

Institute for Social and Cultural Studies: شناسه افزوده

رده بندی کنگره: ۲۵۱HM

رده بندی دیویی: ۳۰۶

شماره کاتالانسی ملی: ۶۱۱۲۱۳۹

فهرست مطالب

۷	دیباچه پژوهشکده
۹	مقدمه
	فصل اول: افق ایده جامعه
۱۶	بنیان‌های معرفتی نظریه اجتماعی تغییر
۲۸	هستی‌شناسی جامعه تغییر کرده است
۴۱	پیشنهادهایی برای کاهش تعارض دو مفهوم جامعه و فرهنگ
۴۱	اتحاد دوباره معرفت‌شناسی‌ها
۴۴	طرد ادعای تازگی مفاهیم جدید
۴۹	تعامل به جای تقابل نظریه‌های فرهنگی و جامعه‌شناسی
	فصل دوم: ایده جامعه پس از چرخش فرهنگ
۵۶	چرخش فرهنگی از رهگذر سنت مارکسی
۷	استقلال نسبی فرهنگ: زمینه چرخش فرهنگی
۷۲	گرمایی پای ثابت نظریه استقلال فرهنگ
۷۶	فروپاشی دوگانه کذب/ حقیقت
۸۱	خصلت مجادله‌ای - مذاکره‌ای هژمونی
۸۴	زندگی روزمره، عرف عامه و نقش روشنفکران در فرهنگ
۸۶	تاجریسم، نمونه‌ای از تحلیل مبتنی بر چرخش فرهنگی
۸۹	چرخش فرهنگی از منظر پایان معرفت‌شناسی رئالیستی

فصل سوم: ظرفیت‌ها و محدودیت‌های مطالعات فرهنگی

۱۰۰	تحول پارادایمی
۱۰۶	مطالعات فرهنگی در مقام پروژه، نه فورم‌اسیون
۱۱۳	عدم تعلقات رشته‌ای و گشایش حوزه‌های تازه
۱۱۹	درگیری (مداخله) سیاسی اخلاقی
۱۲۸	مرکزیت سیاست بازنمایی و سیاست فرهنگی
۱۳۴	محدودیت‌های معرفت‌شناختی و انتقادی مطالعات فرهنگی

فصل چهارم: مطالعات فرهنگی در ایران: بیم‌ها و امیدها

۱۴۹	دو شکل حنفی مطالعات فرهنگی
۱۵۷	پیش‌شماره‌های علمی و نظری برای مطالعات سیاست فرهنگی در ایران
۱۵۷	تقدم نسبی به عمل اجتماعی
۱۶۳	بازی نظریه‌ها، داده‌نگارها و محدودیت‌های دانش‌های اجتماعی مؤثر
۱۷۲	تب مصرف و طبقه متوسط: مفهوم‌سازی‌های مشکوک

فصل پنجم: مطالعات فرهنگی ایرانی و نگاهی تازه به کار روشنفکری

۱۸۰	مطالعات فرهنگی همچون ابزاری انتقادی
۱۸۲	وظیفه دوگانه روشنفکری مطالعات فرهنگی: نزدیکی به دولت و نزدیکی به مردم
۱۸۸	عقل سلیم و کار روشنفکری
۱۹۱	سخن پایانی
۱۹۷	منابع
۲۰۹	نمایه

دیباچه پژوهشکده

دانشگاه امروزی در اثر رخشی فرهنگی، اجتماعی و فناوری در عصر حاضر دستخوش تغییراتی شده است. این تغییرات موجب ظهور مفاهیم تازه‌ای در مطالعات آموزش عالی، علم و فناوری گردیده است. در این بستر جهانی، در سال‌های اخیر مطالعات فرهنگی و اجتماعی محور علم و فناوری نه تنها مورد توجه واقع شده بلکه در نظام شناخت و آینده‌نگری آموزش عالی اهمیت محوری پیدا کرده است. فهم چالش‌های پیش‌رو در ارزش‌های علمی و انتظارات از آن با تکیه بر مؤلفه‌های درونی و بیرونی نظام علم، رسعیت علمی و آینده‌نگری تعاملات میان دانشگاه و محیط پیرامون به مدد مطالعات فرهنگی اجتماعی ممکن می‌نماید و از این طریق می‌توان راهبردهای تعادل‌بخش میان کانون‌های دانشگاه با نیازهای اجتماعی و بازار کار ارائه داد. براین اساس مطالعات آموزش عالی و علم برای شناخت وضعیت موجود، ارزیابی تعاملات آن با جامعه و فرهنگ و ایفای نقش مؤثرتر آموزش عالی در ترسیم آینده کشور نیازمند بهره‌گیری از ظرفیت علوم اجتماعی و علوم انسانی و کاربست راهبردهای آن در عرصه سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری است. برای دستیابی به این اهداف،

پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری از سال ۱۳۸۲ با هدف پژوهش در زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی آموزش عالی و توسعه علمی، ایفای نقش نهاد واسط میان دانشگاه و جامعه و به‌عنوان نهاد مولد اندیشه و اتاق فکر وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در حوزه‌های مورد اشاره سپس شده و در پی انجام پژوهش‌ها و مطالعاتی در محورهای زیر است:

۱. پژوهش در زمینه مطالعات فرهنگی و اجتماعی آموزش عالی، توسعه علمی و رفاه ۲. مطالعه در حوزه سیاست‌گذاری فرهنگی و اجتماعی آموزش عالی ۳. توسعه کانون‌های تفکر در حوزه مطالعات فرهنگی و اجتماعی آموزش عالی و توسعه علمی ۴. آینده‌نگری دانشگاه‌ها و شناخت نیازهای جدید آموزش عالی در زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی ۵. شناخت و بسط مطالعات میان‌رشته‌ای و روش‌های گسترش آن.

با توجه به اهداف فوق، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی در کنار برنامه‌ها و فعالیت‌های پژوهشی، اقدام به تألیف و ترجمه آثار علمی در زمینه‌های فوق برای توسعه و رشد این حوزه مطالعاتی و همچنین تأمین منابع فکری و علمی لازم برای سیاست‌گذاری فرهنگی و اجتماعی در آموزش عالی نموده است. امیدواریم کتاب‌های منتشر شده توسط این پژوهشکده به بهترین شکل در دسترس استادان، مدیران، کارشناسان، و علاقه‌مندان به مطالعات فرهنگی و اجتماعی آموزش عالی قرار گیرد و در ارتقای کیفی کارویژه‌های آموزش عالی و علم در جامعه ایران به سهم خود نقشی فعال داشته باشد.

مقدمه

از زمانی که مطالعات فرهنگی به بخشی از برنامه‌های آموزشی در دانشگاه‌های ایران تبدیل شد، مناقشات نفس‌گیری با دیگر رشته‌های همسایه درگرفت. حتی گاه از مرگ، و تملک سخن گفته شد و مشتاقان مطالعات فرهنگی در فضایی ملتهب کوسیدند جای رای آن بگشایند. حضور این شاخه از دانش در کشور چه بسا بیش از هر چیز به اهمیت یافتن روزافزون فرهنگ در جامعه ایران مربوط است. لحن‌های ارجاعات اجتماعی ما که در آن فرهنگ، بخش مهم و گریزناپذیر کشاکش‌ها و فرایندهای پهن‌دامنی شده است که با آن‌ها جهان زیست‌مان را می‌سازیم. کار مطالعات فرهنگی پرداختن به همین پویش‌های مردم در فرایند ساخت و بازساخت جهان‌های ممکن فرهنگی است.

در این کتاب خواهید دید مطالعات فرهنگی، از پیش، بسته‌ای راهگشا برای استفاده در مسیر بهبود زندگی‌های ما نیست. به عکس، مانند هر دانش دیگری می‌تواند راهگشا یا گمراه‌کننده باشد. می‌تواند به لفاظی‌های بیهوده تبدیل شود و جز ارضای سخنورانش بهره‌ای دیگر نداشته باشد؛ یا با تلاش زیاد به ابزاری راهگشا برای فهم و بهینه‌سازی زندگی‌های ما تبدیل شود. به هر حال، دانش‌ها،

سرکشی ویژه خود را دارند؛ برای سواری گرفتن از آن‌ها نه تنها مراقبت بلکه کوشش فراوان لازم است. از این رو، متن پیش رو را مایلم کوششی برای پاسخ به این پرسش بدانید: چگونه می‌توان مطالعات فرهنگی را به دانشی برای بهبود زندگی در جهان امروز تبدیل کرد؟ اگر چنین دانشی تواند گره از کار مردم باز کند، ارزشی نخواهد داشت. مایلم با این پرسش از برداشتی تنگ‌دامن از مطالعات فرهنگی فراتر بروم که بر پایه آن همیشه این شاخه از دانش گویا تنها یک مأموریت از و آن نمایندگی صدای گروه‌های خاموش جامعه است. قصد ندارم سودی از این هدف بزرگ را به پرسش بکشم اما به نظر من این روزها شهروند خبرنگاران در سایه توسعه دسترسی افراد معمولی به ابزارهای ارتباطی و اطلاعاتی، صدای همه را به گوش همه می‌رسانند. نکته‌ای که در این نوشتار همیشه مورد تأکید است، دشواری برداشتهایی کلی از نظام‌هایی است که اکنونیت ما را ساخته‌اند. دانش و فهم کلی را از مجموعه مناسبات موجود که محرومیت‌ها، نابرابری‌ها و رنج‌های نه‌پیدا را دامن می‌زنند، بدون چنین فهم‌های کلی، همیشه درگیر تغییراتی موضعی و بخشی هستیم که رهایی از بندهای موجود را به تعویق می‌اندازند. شاید حق با آدورنو است که زندگی نادرست را نمی‌توان درست زیست!

کتاب در پنج فصل تدوین شده است که می‌توان آن را به‌عنوان یکدیگر خواند. با وجود این، منطقی مشترک، آن‌ها را به هم پیوند می‌دهد. فصل نخست متمرکز بر ابهام‌هایی است که نظریه جامعه‌شناسی با آن روبرو است؛ شکل‌بندی خود جامعه‌شناسی در اثر این چالش‌ها تغییر کرده تا جایی که مفهوم جامعه، مرکزیت خود را در بسیاری از تحلیل‌ها از دست داده است. از این رو، در این فصل به مجادلاتی پرداخته شد که نوعی دعوت به جامعه‌شناسی، بدون مفهوم کلاسیک جامعه است. دو تحول بنیادی در معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی جهان امروز مسئول این تغییرات به شمار

می‌روند. وجود این تغییرات از یک‌سو و اهمیت روزافزون مفهوم فرهنگ از سوی دیگر، سبب شد تا سکون و تنبلی نظریه‌های جامعه‌شناسی بیش‌ازپیش به چشم آید و در نتیجه، عده‌ای به‌سوی دیگر رویکردها مانند نظریه‌های فرهنگی کشیده شدند. این فصل با پیشنهادهایی برای رودرویی با این تحولات و ایده‌هایی از ویژگی‌های جامعه‌شناسی در سده ۲۱ به پایان می‌رسد.

چرخش فرهنگی موضوع اصلی در فصل دوم است. ابعاد گوناگون این مفهوم از منظر دو رویکرد مطالعات فرهنگی از یک‌سو و نگاه پسامدرن افرای نظریه‌پردازان مدرن و زیار از سوی دیگر، بررسی شد. انتخاب این رویکرد اخیر در این مطالعات فرهنگی از روی قصد بود تا نشان دهم چگونه رویکردهای پسامدرن با تأکید بر اندازه خود بر نشانه‌ها در جهان امروز، بنیان اجتماعی تحلیل آن‌ها را از دست می‌دهند. در عوض، به هنگام بحث از چرخش فرهنگی در مطالعات فرهنگی، به‌رغم توجه ویژه به نشانه و دلالت، همیشه ایده امر اجتماعی مورد احترام بود است. وانگهی، نشانه در مطالعات فرهنگی به‌مانند عنصری در مناسبات قدرت بدون تأکید یک‌سویه بر مفهوم ایدئولوژی تبدیل شده است. با این تعبیر، رویکرد ریزه‌ای را در مطالعات فرهنگی شاهدیم که افزون بر امر اجتماعی، می‌کوشد تا جایزه و محترم برای امر نشانه‌ای باز کند. بیراه نیست بگوییم دوگانه امر نشانه‌ای بر امر اجتماعی، یکی از مهم‌ترین گره‌گاه‌های مفهومی در نظریه اجتماعی امروز است. در همین فصل درباره یکی دیگر از موضوعات مهم نظریه اجتماعی یعنی نقش جایگاه کلیت و رویکردهای کل‌نگر، بحث شده است. ایده چرخش فرهنگی در مطالعات فرهنگی، در واقع از همین منظر بررسی شده است. از این رو، «چرخه فرهنگ» و دیدگاه ویلیامز به فرهنگ به‌مثابه «شیوه کلی زندگی»، دستاویزی شدند تا راه‌هایی برای حل مشکلی پیشنهاد گردد که در فصل اول، با عنوان شیء‌وارگی نظریه‌های اجتماعی از آن یاد شد. با نگاهی دقیق‌تر این خط

بحث را می‌توان به گونه‌ای دیگر خواند: همچون سرنخ‌هایی روش‌شناختی از نوعی تحلیل هم‌آیند در مطالعات فرهنگی و همچون نظریه‌ای برای پاسخ به این پرسش مهم که فرهنگ چگونه کار می‌کند؟

فصل سوم با این پرسش آغاز می‌شود که مطالعات فرهنگی چگونه می‌تواند به عاملی مؤثر در بهبود زندگی انسانی تبدیل شود؟ مفهوم موردعلاقه ما در جستجوی پاسخ‌های ممکن، «سیاست رهنایی بخشی» است که به سامانه‌های نظری و عملی گوناگون برای تغییر در جوامع انسانی، به‌سوی زندگی بهتر انسانی‌تر اشاره دارد. روشن است که دست‌کم با توجه به دعای مطالعات فرهنگی نمی‌توان سامانه‌ای خاص را پیشنهاد کرد. چون کیفیت حضور مطالعات فرهنگی در هر جامعه‌ای به دلیل بافت‌های خاص زمانی و مکانی متفاوت است. پس چاره‌ای نیست جز این‌که به دنبال سرنخ‌هایی بگردیم که مسیرهای راهگشا را ممکن می‌سازند. یکی از این مؤلفه‌ها را باید در اراده مطالعات فرهنگی برای نقد چارچوب‌های موجود دانش اجتماعی دید. درواقع، برای اصحاب مطالعات فرهنگی این نکته همیشه مهم است که زندگی بهتر در متن از آگاهی و دانشی بهتر ممکن است. ازاین‌رو، در این فصل به مجموعه کوشش‌های پرداخته می‌شود که کردارهای نظری در مطالعات فرهنگی را موضوع نقد و بررسی قرار می‌دهد. درواقع، این فصل ناظر بر نقد درونی خود مطالعات فرهنگی است. کردار نظری هم در همان معنایی به کار گرفته می‌شود که آلتوسر از آن بهره‌مند است: کار بر روی موادی که منجر به تولید محصولی می‌شود. چنین تعریفی از کردار نظری راهگشاست، چون هدف این فصل نوعی ارزیابی از محصولی است که نام مطالعات فرهنگی بر خود گرفته و در پی بهبود مؤثر زندگی‌های انسانی است. در این رهگذر، نخست، ویژگی‌هایی از مطالعات فرهنگی برجسته شد که توان این پیکره از دانش برای چنین وظیفه‌ای را بیشتر می‌سازد؛ و دوم، به کاستی‌هایی پرداخته شد که این ظرفیت‌ها را ضایع می‌سازند.

در فصل چهارم پیدایش مطالعات فرهنگی در زمینه ایرانی موضوع عمده بحث است. پس از توصیف یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های مطالعات فرهنگی یعنی بافت‌مندی یا زمینه‌مندی آن در فصل‌های پیشین، پرداختن به کیفیت حضور این دانش در زمینه ایرانی می‌تواند برای خوانندگان جالب باشد. در ضمن این بحث، به دو گونه مهم مطالعات فرهنگی یعنی گونه دولتی و دانشگاهی و ایرادهای بنیادی هریک از آن‌ها پرداخته شد. از آنجاکه برای گنجینه دانشگاهی، نسبت نظریه و عمل مهم است، ابعاد یکی از مجادلات اخیر در فضای علمی-انسانی و اجتماعی یعنی نقش نظریه، به‌ویژه نسبت نظریه‌های غربی به دانش‌های انسانی، توصیف شده است. افزون بر این، در پی دسترسی به نظریه‌هایی که برتر از رجوع‌های مفهومی و نظری موجود در مطالعات فرهنگی ایرانی مور-بررسی دقیق‌تر قرار گرفته است.

فصل پنجم ناظر بر پرسش مهم است: الف) چگونه مطالعات فرهنگی به تولید داده‌هایی زمینه‌محور منجر می‌شود تا بتواند درکی ایرانی و کلی (منحصربه‌فرد و درعین حال، جامع و پیچیده) از تمامیت واقعیت اجتماعی و وضعیت جامعه ایرانی به دست دهد؟ ب) چگونه شنیدن درکی از جامعه با تغییرات در زندگی روزمره مردم پیوند می‌خورد؟ در این باره برای تدارک پاسخی به پرسش نخست، یافتن مفاهیمی بافت‌مند در مطالعات فرهنگی ایرانی است تا فهمی جامع و زمینه‌مند از مشکلات اجتماعی در ایران را برآورد کند. در اینجا معیاری برای قضاوت درباره ارزش علمی کوشش‌های این شاخه از دانش پیشنهاد شده که مبتنی بر کمیت و کیفیت مفاهیمی تازه و ریشه‌گشا در توصیف عمیق جامعه است. پرسش دوم در این فصل ناظر بر خصلت مطالعات فرهنگی به مثابه پروژه‌ای هژمونیک است که در آن بر سهم روشنفکران ایرانی تأکید می‌شود. از این رو، با تکیه بر مفهوم روشنفکر مطالعات فرهنگی به این موضوع مهم اشاره شد که این گروه در ایران با مشکلی

مضاعف روبه‌رو هستند که مانع از ایجاد ارتباط مناسب با نهادهای سیاست‌گذار دولتی و حکومتی از یک‌سو و مردم، از سوی دیگر می‌شود. استعاره فاصله، کلیدواژه من در این بخش از بحث است.

متنی که پیش رو دارید حاصل حمایت مالی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم است. از این رو، از رئیس محترم پژوهشکده، آقای دکتر حسین میرزایی، سپاسگزارم. از حمایت دیگر همکارانم در پژوهشکده، ویژه آقای دکتر جبار رحمانی برای پافشاری‌اش در تولید این متن. آقای دکتر عباس کاظمی و دیگر اعضای شورای نشر پژوهشکده برای پیگیری انتشار آن سپاسگزارم.

محمد رضایی